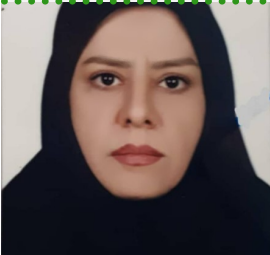


شنانامه مختصر شاعران

(دائرة المعارف پارسی سرایان جهان)



فاطمه یارندپور

نام و فامیلی(تخلص): فاطمه یارندپور

نام پدر: ناصر یارندپور

سال تولد: ۱۳۵۰ / ۱۲ / ۷

محل تولد: تهران

زیستگاه: تهران

تحصیلات: دیپلم تجربی

دستاوردهای فرهنگی و...: نویسنده، شاعر، دکلماتور، گوینده و عضو انجمن اهل قلم بوده، دارای کتاب های مستقل زیر میباشد: شب وصال، مرد افسانه‌ای، جادوی عشق.

کتاب های: خوابگردها، تمام ناتمام شعرهای من، سکوت روشن، زیبای بی نبض، نامه‌ای به دوست، تمام ناتمام شعرهای من و چندین کتاب دیگر از جمله شعر و رمان به قول خودش آماده چاپ میباشد.

سرپرست نویسندگان این کتاب ها بوده: (دیوار ترک خورده ام)، (پنج قلم)، (شور زندگی)، (همدم)، (بشنو از دلم)، (زیبای بی نبض)، (تلخ و شیرین کرونا)، (نامه ای به دوست)، (هفت قلم رقصان)، (شباهنگ)، (پیله احساس)، (شباهنگ)، (کرونا)، (کادر عشق)، (فرشتگان بی ادعا)، (یک بغل دلتنگی) و (کوچه عشق) بوده ویراستار کتاب (دنیای دلتنگی مریم) ویراستار (کتاب سرزمین واژگان نمودار) ویراستاری رمان (قدرت عشق) را به عهده داشته است. فاطمه یارندپور همچنان سابقه کار با مجلات خانواده سبز و آلاچیق و روزنامه دریاکنار و روزنامه های اینترنتی را در رزومه خود دارد.

نمونه های شعر:

گل بی نقص منی آتش عشق تو منم
وقت آنست دل تشنه به دریا بزنم

نشود لحظه‌ای از عشق تو آرام دلم
شعله عشق تو سوزانده همه جان و تنم

قرص آرام و قراری و همه خواب منی
نیست جز وصف نگاهت سخنی در سخنم

تا خیال تو میان غزل و شعر من است
همه شب در هوس شاعر بیدل شدنم

سربه سر نکته به نکته همه جا حرف شماست
پس بمان چون تو نباشی بخدا می‌شکنم

شب و تنهایی و با یاد تو در سر چه کنم
با گلستان دلی که شده پرپر چه کنم

از چه راهی بروم تا که نبینی خطری
چشم مستت به من افتد بشود شر چه کنم

دل من تنگ گره خورده و افتاده به چنگ
تا هوایت نوک ناخن بزند در چه کنم

خنده‌ای مثل سلاحی که ندارم به لبم
جنگ سرد است میان دل و دلبر چه کنم؟

سوت ممتد که خیالت بکشد بر سر من
عشق تو سر بزند، بر تن بی‌سر چه کنم

زیر خورشید نگاهت به تنم تا به غروب
چون سرابی لبم از بوسه شود تر چه کنم

حرف رفتن که به سردی بزنی جای سلام
با خداحافظی لحظه‌ی آخر چه کنم!

شاهنامه سند هویتی، ملی و جهانی فارسی زبانان جهان است و این کتاب حماسی وشناخته شده همراه با خالق این اثر اساطیری(حضرت فردوسی) نزد مردم افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد وبخشی از مردم حوزه زبان فارسی به ویژه مردم فرهنگ دوست افغانستان نام های فرزندان شان را با الهام از شاهنامه گزینش می نمایند.

دکتر پریش ابراهیمی(عضو هییت رهبری بنیاد جهانی سبزش)، آقای امین پور، احدی و نادم نیز از جمع بنیاد جهانی سبزش در این نشست ادبی به صحبت و شعر خوانی پرداختند.

اجرای موسیقی سنتی، نقالی و شعرخوانی، فضای نشست را مملو از عشق و عرفان ساخته بود و همه برای برگزاری نشست های ادبی این چنینی تاکید نمودند.

همچنین بحث، بررسی و تبادل نظر درباره اشعار فردوسی، فلسفه آن، داستان شاهنامه و فرهنگ ایران زمین از دیگر بخش های درنظر گرفته شده در این نشست ادبی بود.

نشست ادبی: شاهنامه از نگاه خانواده سه کشور: ایران، افغانستان و تاجیکستان

شده است و این نشست «شیوایی و شیدایی»با همکاری کانون ادبی عرفانی شفق و حوزه هنری برگزار شده بود.



پیریمقول ستاری ازبکستان

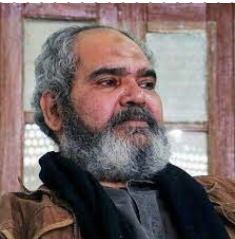
منم آن عقاب کوهی به فضای کوهساران
بنهاده سینه‌ام را به هوای باد و باران

همه دم محیط خود را به خدا، که دوست دارم
که ربوده چشم عاشق گل و باغ و لاله‌زاران

ز صدای رعد غرآن دل دشت و کوه لرزد
نه مرا هراس باشد ز صدای رعدی غرآن

تو چه دانی، ای کبوتر، ره و روح زندگی‌ام
دل بی‌غمی، که داری به پناه شاخساران

تن و جان من ز سنگ و پر و بال من ز برق است
منم آن عقاب کوهی به فضای کوهساران



عباس خوش‌عمل کاشانی

شعر موشج زیر با
عنوان «کتاب و کتابخوانی» به
مناسبت «هفته‌ی کتاب» تقدیم
می‌شود:

کتاب چیست؟ گلی از بهشت دانایی
که نوبهار چو او نیست در طربزایی

ترانه‌ای‌ست ز کلک فرشته خورده رقم
به لوح هستی‌ما، در کمال زیبایی

از آن ستوده به هر دین و مذهب و کیش است
که می‌دهد به ذوات و نفوس بینایی

به راه خانهِی دل چلچراغ بی همتاست
که هر اشعه‌ی او جادویی است رویایی

وسيله‌ای‌ست که بخشد به دودمان بشر
مقام و منزلت و شوکت و توانایی

کسی که گوهر او داشت در خزانه‌ی جان
نیازمند نباشد به مال و دارایی

تسلّی دل زار است در تهاجم غم
انیس و محرم رازاست وقت تنهایی

اسیر دام شیاطین انس و جان نشود
کسی که داشت مراین نسخه‌ اهورایی

بقای مملکت دین و عقل راست ضمان
که لشکری است ورا خبره در صف آرایی

خموش اگر چه ولی نغمه‌ها ازوست بلند
طراز نغمه‌ی داوودی و نکیسایی

وزیده طرفه نسیمی است از قلمرو عشق
که غنچه‌های دل از اوست درشکوفایی

انیس و همدم و یاری چو اونبوده و نیست
به نکته سنجی و دانایی و نکورایی

ندارد آن که از او بهره‌ای نخواهد داشت
مقام و منزلت دنیوی وعقبایی

یگانه یار عزیزی است در قلمرو دهر
که «خوش‌عمل» شده خواهان او به شیدایی



گفتنی است؛ در تقویم رسمی ایران روز ۲۵ ثور/ اردیبهشت به نام روز بزرگداشت فردوسی نام‌گذاری

به بهانه نمایشگاه بین المللی کتاب

۱۵- هوشنگ؛ ابتهاج که سایه شد، تالیف: بسم الله شریفی به همکاری انتشارات دانشیاران ایران؛
۱۶- بیا که همدلی را بازخوانیم(گزینه دوبیتی‌ها) شاعر: بسم الله شریفی به همکاری انتشارات زرین مهر؛
۱۷- حسرتی در سکوت شب، گزینه دوبیتی های فرزاد فرامهر به همکاری انتشارات زرین مهر؛
۱۸- روایتی از نور(زندگی نامه، جهاد، مردانگی، سخاوت و مردم داری الحاج محمد شریف (رحمه الله) نویسنده: بسم الله شریفی به همکاری انتشارات راشدین؛

۱۹- تلخی قهوه‌ای که به شیرینی تو است، گزینه غزل‌های عشرت بنی‌هاشمی به همکاری انتشارات زرین مهر؛

۲۰- محبس خاطرات گزیده‌ای سروده‌های (محمدطاهر مشا)، ویراستاری و برگ آرای: میرویس هروی، به همکاری انتشارات زرین مهر؛

۲۱- شعر؛ یک تجویز تکرارست، شاعر: بسم الله شریفی، به همکاری نشر زرین مهر؛

چاپ و نشر هفته‌نامه سبزشمنش:

(هفته نامه سبزشمنش) بخش نشراتی بنیاد جهانی سبزشمنش است و اولین شماره هفته‌نامه سبزشمنش در ۴ صفحه به‌صورت رنگی و کاغذ خیلی عالی به امتیاز و مسئولیت بسم الله شریفی روز چهار شنبه مورخ ۸ سنبله ۱۳۹۶ منتشر شد و تا اکنون ۱۴۰ شماره آن به شکل چاپی و انترتی اقبال نشر را یافته است.

سایت سبزشمنش:

سایت سبزشمنش- www.Sabzmanesh.net، بزرگترین پایگاه شاعران، نویسندگان، اهل فرهنگ و هنرمندان بوده، شبانه روزی با نشر مطالب متنوع فرهنگی و ارزشی در حوزه های(شعر، ادبیات، طنز، خطاطی، نقاشی، هنر، تمثیل، انتشارات، نمایشگاه، روزنامه نگاری، کتاب خوانی، کتابداری، مقاله نویسی و... در خدمت فرهنگیان قرار دارد و به عنوان یک چتر بزرگ فرهنگی بخشی از اهداف آن را موارد زیر تشکیل میدهد:

- پاسداری، شناساندن و گسترش زبان و ادبیات فارسی/ دری/ تاجیکی (هر سه یک زبان) به‌عنوان زبان دوم اسلام و یکی از زبان‌های کلاسیک، علمی، معتبر، عرفانی، غنی و پُر کاربرد جهان؛
- انسجام روابط فرهنگی، ادبی، پژوهشی و هنری میان گویش‌وران، ادیبان، شاعران، پژوهشگران و هنرمندان پارسی زبان و تحکیم روابط با شخصیت‌های فرهنگی سایر زبان‌ها در سراسر جهان؛

- ایجاد و تقویت رابطه‌ی تفاهم و همدلی میان فارسی زبانان و گویندگان سایر زبان‌های جهان از راه گسترش ارزش‌های مشترک انسانی و همگرایی فرهنگی برای زدودن تعصبات بیجای زبانی و...؛
در پایان میتوان گفت: سبزشمنش؛ جایگاه خودباوری و خرد، پایگاه بهسازی و بهنامی و زیستگاه اندیشه- و رزان سبزنگر بوده، پالایشگاه فکر و خلاقیت می‌باشد.

بهین خراسانی



از های‌هوی و هلهله این‌جا دلم گرفت
از سوز و درد و غصه‌ی دنیا دلم گرفت

یک رود اشک و گریه دو سه آه سرد و بعد
شد رهسپار دجله و دریا، دلم گرفت

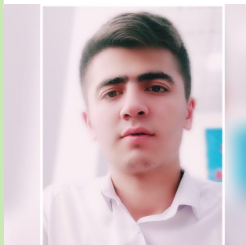
از چار سو اتاق چنان می‌فشاردم
افتاده‌ام به گوشه‌ی تنها دلم گرفت

از زندگانی، از هوس و آرمان‌ها
از هر چه هست بعد تو اما دلم گرفت

گیرم که موسم غم و اندوه گذشت و هی
وقتی بهار آمد و حتا دلم گرفت

**تکرار شد گرفت و دلم را چنان که تا
از این غزل و قافیه آقا دلم گرفت**

بهمنیار میسرزاده تاجیکستان



به دست عشق و محبت فقط عنان بدهی
و بهر قول و قرارت همیشه جان بدهی

به قصر حضرت انسان اجازه‌ات بدهند
ز بام کعبه دل‌ها اگر اذان بدهی

خوشا به کوچه طفلان گشنه سر بزنی
به نام شاه مهستان دو کلچه نان بدهی

پدر، نمی‌شود آیا تو بهر فرزندت
وطن‌گرا شده حفظ ورا نشان بدهی؟

تمام عزّت و شانت ز خودشناسی توست
نشاید این، که خودت را به دیگران بدهی

مرا مراد بزرگ است از درت، ای عشق
مرا همیشه به درگاه خود امان بدهی

حسن حیدریان نائینی / ایران



به تیره خلوت شب‌ها چه گریه‌ها کردم
به اشک عقده دل دانه دانه وا کردم
به خواب کی رود این چشم خسته‌ام امشب
که از رخ تو برایش چه قصه‌ها کردم
مرا چه حاصل ازین زندگانی ای فریاد
که هرزه عمر پی یار بی وفا کردم
ندیده‌ای که چو مرغی شکسته بال و غریب
نشسته بر سر بام و تو را صدا کردم
ندیده ای تو سرشک و غم غریبی من
هر آنچه بر سر کویت خدا خدا کردم
بگو چه در دلت آمد که عهد بشکستی
چو من به عهد تو باخویشتن وفا کردم
ز حد گذشت غم دل ز بی وفایی یار
که من به گوشه میخانه التجا کردم
چه تنگ خفته در آغوش یار خود یاری
که من به عشق رخس جان و دل فدا کردم
کنون که می‌نگرم بر گذشته‌ها گویم
به کار عشق و صبوری چرا خطا کردم
چه نغز گفته حبیب اوستاد شعر و ادب
که من به مقطع آن شعر اقتفا کردم
برادران و عزیزان شما چنین مکنید
که من به عمر چنین کردم و خطا کردم

مدینه ترکاشوند / ایران

از عشق تو قلبم غم هجران نپذیرد
مجنون وفادار تو حرمان نپذیرد
داغی که به جا ماند به دلم آتش عشق است
این شعله‌ی سوزان تو پایان نپذیرد
مجنون تر از آنم که دهم دل به دل غیر
چون بی تو وجودم سر و سامان نپذیرد
چون ابر بهاری پر اشکم ولی افسوس
آن دشت پر از سنگ تو باران نپذیرد
از صبر نگو طاقت جانم به سر آمد
دیگر جگرِ خون شده درمان نپذیرد

منصوره زندیه (شاپرک)



چه سکوت مرگباری‌ست
ثانیه هایش، درد ناک
وقتی به تو می‌اندیشم
نفس کم می‌آورم
گویی سیاه چاله‌ها، می‌بلعند
جان سبز زمینت را

در سکوتی ممتد از ساز دل انگیزی که نیست
گم شدم در خاطرات عشق لبریزی که نیست

وای از پس کوچه های خلوت در انتظار
باز من بارانی ام، در فصل پاییزی که نیست

در درون آینه بغضی ترک خورده ز غم
دم به دم با یاد آن یادی در آمیزی که نیست

در خیالم آتش صد بوسه بر لب داری و
ای دریغ از بوسه های گرم یکریزی که نیست

حسرتی هستی در آغوش همیشه خالی ام
با همان پیراهن و عطر دل آویزی که نیست

وطن! امشب به بالینت غم سنگین می‌بینم
لباسِ قهرمانت را ز خون رنگین می‌بینم

وطن! امشب به هر صخره ز پامیر بزرگ تو
بوی عطر شهیدانِ کفن خونین می‌بینم

وطن! امشب به هر خانه یتیم داغ پدر دارد
شبِ قدر است چرا این کار را در دین می‌بینم؟

وطن! عمریست با دردِ خودت درگیر مینالی
ندیدم روزِ خوش هرروز تورا غمگین می‌بینم

وطن! آیا نداری حق آرامش درین دنیا؟
طلسمِ غم چرا بستنِ تو را نفرین می‌بینم

ترا هرکس به نام دین به خنجر میزند امروز
چرا حرفی ز این و آن درین آیین می‌بینم؟!

به هواداری گیسوی تو زنجیر شدم
با هجوم غم آن سلسله مو پیر شدم

هرچه آینه به تکاپوی تماشا نشست
من از این بی‌خبری‌های خودم سیر شدم

من همانم که در آغوش خوش روایت
مثل یک خواب پر از حادثه تعبیر شدم

یا که مثل غزلی غرق شکوه احساس
در تب و تاب نفس‌های تو تفسیر شدم

چون کتابی که تورق شده در طوفان‌ها
در تب شعله چشمانه تو تسخیر شدم

عمری از مهر تو دم زد دلک عاشق من
با غم دوری ات ای آینه درگیر شدم

یادداشت: اگر گاهی برای تشویق شاعران تازه کار، شعری ضعیف منتشر می‌کنیم، معذورمان دارید و به بزرگواری تان ببخشید...

سهیل سامانی



ز شوقم گریه برخیزد ز غم درخنده لرزانم
نه در خواب و نه بیدارم، نه آزادم نه زندانم

نه درهند و نه در کشمیر، نه کولاب و نه تهرانم
نه اندر پار در یایم، نه در چین و خراسانم

نه شهرم شهر آزادی ست، نه اینجا رسم آبادیست
کزین شهر و کزین وحشت، گریزانم گریزانم

دراین جا هم زبانی کو؟ ز مولانا نشانی کو؟
نه در بلخ و نه در غزنه، نه در کابل نه پروانم

نه این جا فارغ از خویشم، نه دور دور نه پیشم
نه کاپیسا و استالف، نه در بگرام و پریانم

ربوده چرخ آوایم، به غم جوشیده سودایم
نه امروزم نه فردایم، نه در کشم بدخشانم

نمیدانم کجا هستم، که رفته خویش از دستم
به سودای چنان مستم، که در گرداب دورانم

زبس کوچیده است یاران، زمین افتاده با گرگان
در این تلخی و ویرانی، غزل خوانم غزل خوانم

پرویز رهگذر



زن به شیشه ی ما سنگ، سنگ را بگذار
برای صلح بیا، حرف جنگ را بگذار

قلم به دست تو می ایستد، غزل بنویس
بخوان سرود صفا را تفنگ را بگذار

به هوش باش که بی خود نمی رسی جایی
بیا به مجلس ما چرس و بنگ را بگذار

بیا که پاک به همرنگ آسمان باشیم
نژاد و قوم و صف و کیش و رنگ را بگذار

همیشه ره رو منصور سر به دار بمان
به راه عشق دگر نام و ننگ را بگذار

درویش نوید محبوب آمریکا



شوخ بی باک مرا باز سلامی برسان
ز من غم‌زده از دور کلامی برسان

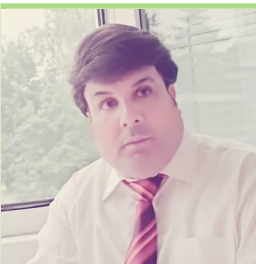
دم دم شام بیایم به تماشای رُخت
تو اشاراتِ نظر از سرِ بامی برسان

شهره ، آوازه به بازار دل انداخته یی
منِ بی نام و نشان را به مقامی برسان

پرده بردار ز صهبای کهن باز بریز
عاشقِ تشنه لبان را تو به جامی برسان

مهلت نیست دگر مانده فقط یک دو نفس
عطرِ گیسوی سیاهت به مشامی برسان

یک غزل نامه شد و وصف دو چشمان کسی
قاصد این نامه به آهوی خرامی برسان



سید عزیزالله محبی آلمان

شب و روز اشک چشمم بشود ز دیده جاری
ز فراق آن پری رو، دل من به بی‌قراری

ز غمت شکسته قلبم، به کجا برم شکایت
که به خون نشسته‌ام من همه شب به سوگواری

تو اگر شبی بیایی، همه جا شود بهاری
ز غزل ترانه خوانم، به نشاط و می‌گساری

به کسی نظر نکردم، به تو دل ز مهر بستم
به هزار آرزوها، ز رهی امید واری

دل من ز درد دوری، به درون سینه سوزان
سر من به روی بالین، نغزیده جز به خواری

به چه دل ز من بریدی، تو که از وفا گذشتی
چه جفا ز من تو دیدی، که دگر وفا نداری

تو دران زمان که رفتی، ز برم برفت جانم
به جنازه‌ام چه سودی، که تو اشک غم بیاری

تو مرا رها نمودی، به فنا مرا کشاندی
چه کنم که روی گورم، تو اگر گلی گذاری



اسدالله بلهار جلالزی بریتانیا

پردیسی
د دوزخ عذاب به وی بنیایی همدومره
چی خوک ورک شی له خپل کور او له وطنه
ما په خپلو سترگو ولیده یارانو
پردیسی تر بل هررنخ پکه پمنه
د هجران چاري له عقله سړی خلاص کا
گني وگوره د قیس خبری لمنه
زه له شرمه چیرته نه شم خندیدلای
خدای دي نه کا خوک جلا له انجمنه
په پردي وطن خوښي هسي یو خیال دی
بنیادي غواره تل په خپل کور کي دننه
په دا تیر عمر ژړا راځي ملگرو
د هی هی ناري وهم له زړه غمجنه
د پردي وطن رواج سړی زیون کړي
شه «بلهار» له خپل دوده ارزښتمنه



مژده بزرگ

(دائرة المعارف پارس سرائان جهان)

در حال تدوین است...

مسؤولین بنیاد جهانی سخن گستران سبزمنش، سایت سبزمنش و خبرگزاری عقاب (نیوز) می‌خواهند شناسنامه مختصر شاعران پارسی‌سرا را بعد از نشر در سبزمنش و عقاب نیوز به عنوان (دائرة المعارف پارسی‌سرایان جهان) تدوین نموده، به دست‌بوسی دوست-داران شعر و ادبیات قرار دهند.
شاعران که هنوز مشخصات شان را نفرستاده اند و یا در ارسالی‌های شان مشکلی وجود داشته، آرزو داریم با تکمیل موارد زیر دوباره ارسال نمایند.

مشخصات مورد نیاز:

www.sabzmanesh.net

www.oqabnews.com

مشخصات را به واتساپ زیر بفرستید:

۰۰۹۳۷۰۰۷۲۰۹۵۳

۰۹۹۴۰۷۸۹۶۴۵

WhatsApp

سبزمنش؛ جایگاه خودباوری و خرد، پایگاه بهسازی و بهنامی و زیستگاه اندیشه‌ورزان سبزنگر بوده، پالایشگاه فکر و خلایق می‌باشد!

sabzmanesh786

Sabz.manesh

بنیاد جهانی سبزمنش

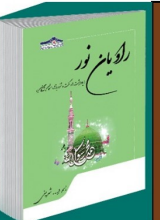
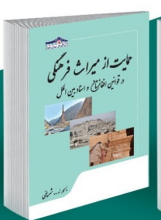


۰۹۹۴۰۷۸۹۶۴۵ / ۰۰۹۳۷۰۰۷۲۰۹۵۳



WhatsApp

واحد انتشاراتی سبزمنش (چاپ و نشر کتاب با معیارهای جهانی)



... و یک خبر خوش

انتشارات سبزمنش (چاپ و نشر کتاب با معیارهای جهانی)

واحد نشر (بنیاد جهانی سبزمنش) با تخفیف ویژه در بخش‌های:

ویراستاری، صفحه‌آرایی، طراحی جلد، دریافت مجوزهای لازم اعم از (شابک، فیبا، مجوز چاپ، اعلام وصول) و تبدیل پایان نامه‌ها به کتاب از ۱۰ جلد الی...

در کمترین زمان با بهترین کیفیت به زبان‌های مختلف از تمام کشورها در خدمت شماست!

اگر می‌خواهید کتاب‌های شما با استانداردهای جهانی چاپ شود و در سایت‌های مختلف دنیا از جمله:

(سبزمنش و عقاب نیوز) به معرفی گرفته شود؛ انتشارات سبزمنش را انتخاب نمایید.

واتساپ: ۰۰۹۳۷۰۰۷۲۰۹۵۳ / شماره تماس در ایران: ۰۹۹۴۰۷۸۹۶۴۵ / ایمیل: sharefib@gmail.com

www.sabzmanesh.net

WWW.Oqabnews.com



از اهداف سبزمنش:

— پاسداری، شناساندن و گسترش زبان و ادبیات فارسی / دری / تاجیکی (هر سه یک زبان) به‌عنوان زبان دوم اسلام و یکی از زبان‌های کلاسیک، علمی، معتبر، عرفانی، غنی و پرکاربرد جهان؛
— انسجام روابط فرهنگی، ادبی، پژوهشی و هنری میان گویش‌وران، ادیبان، شاعران، پژوهشگران و هنرمندان پارسی زبان و تحکیم روابط با شخصیت‌های فرهنگی سایر زبان‌ها در سراسر جهان؛
— ایجاد و تقویت رابطه‌ی تفاهم و همدلی میان فارسی‌زبانان و گویندگان سایر زبان‌های جهان از راه گسترش ارزش‌های مشترک انسانی و همکاری فرهنگی برای زدودن تعصبات بیجای زبانی و...؛

مسؤولین، اعضا و دوستداران
بنیاد جهانی سبزمنش

بنیاد جهانی سبزمنش
sabzmanesh786

Sabz.manesh
Sabz.manesh1

همکاران

شورای
نویسندگان:



تذکره

مؤسس و
مدیر مسئول: بسم الله شریفی

sharefib@gmail.com

sabzmanesh92@gmail.com

0093700720953

09940789645

